در گفت‌وگوی «فرهیختگان» با حسن مصطفوی مدیر تولید سینما و شبکه نمایش خانگی مطرح شد

با این دستمزدها، سینما سال بعد تعطیل می‌شود

ورود پول‌های مشکوک به شبکه نمایش خانگی را قبول ندارم

مجتبی ارد شیری
روزنامه‌نگار

در دهه ۷۰، با پای پیاده فاصله میان خزانه تا یوسف‌آباد را طی می‌کرد تا به تمرین تئاتر برود؛ همان سال‌هایی که برای زندگی‌اش حتی دستفروشی هم می‌کرد و در آژانس مشغول به کار بود. اما چرخ روزگار چرخید و این عشق سینما که با عکس نمکی فخیم‌زاده زندگی می‌کرد و آرزویش بود یک بار او را ببینند، با وی به همکاری پرداخت. در ادامه پله‌های ترقی را بیشتر طی کرد؛ از بازیگری تئاتر آغاز کرد و به کارگردانی تئاتر رسید. چند فیلم کوتاه ساخت و درنهایت با وجود اینکه فارغ‌التحصیل فیلمسازی بود، ناخواسته وارد تولید شد. حسن مصطفوی امروز برای خودش برندی است. تنها مدیرتولید سینمای ایران است که دو فیلم اسکاری در کارنامه خود دارد. آثار نام‌آشنای بسیاری در کارنامه دارد؛ جدایی نادر از سیمین، فروشنده، گناهکاران، لامب ۱۰۰، گیشن، قسم، شهرزاد، گلشیفته، هیولا و... و البته همکاری با کارگردانان شهیری چون فرامرز قریبیان، اصغر فرهادی، مهدی فخیم‌زاده، حسن فتحی، بهمن قبادی، بهرام بهرامیان، محمدحسین لطیفی، محسن تنابنده، سعید آقاخانی و نیکی کریمی. همین تنوع کاری سبب شده رابطه بسیار خوبی با بدنه سینما داشته باشد و حتی برای احقاق حق آنها از منفعت خود بزند تا جایی که به‌دلیل نوع برخورد کارگردانی مشهور با نیروی خدماتی، قید آن اثر را زده و ترجیح می‌دهد در آن کار حضور نداشته باشد. تمام این روحیات و البته سابقه کار در آثار مهم این سال‌ها سبب شده سراغ او برویم، سوالاتی صریح بپرسیم و پاسخ‌هایی روشن دریافت کنیم. در ادامه شما را به مطالعه این گفت‌وگوی پر از جزئیات دعوت می‌کنیم.

در نقد اظهارات مدیر تولید «شهرزاد»

یعنی نمی‌دانید پول مشکوک یعنی چه؟

میلاد جلیل‌زاده
روزنامه‌نگار

از همان ایامی که فصل اول سریال شهرزاد پخش می‌شد، زمزمه‌هایی را جعبه آلوده بودن پول‌های سرمایه‌گذاری شده در این پروژه، بلند بود و همین اعتراضات بسیاری از فعالان مجازی را در این خصوص برانگیخت. این البته قابل انکار نیست که افکار عمومی مردم ایران در آن ایام به اندازه امروز روی موضوع ورود پول‌های مشکوک به سینما حساس نبود اما بودند کسانی که روی این موضوع انگشت گذاشتند و صدایشان را با هر ابزاری که می‌شد پژواک دادند. مساله اینجاست که عوامل سریال شهرزاد نمی‌توانند امروز بگویند که ما از ورود پول‌های آلوده به این پروژه بی‌اطلاع بوده‌ایم و در این خصوص تقصیری متوجه ما نیست. هنرپیشه‌های این مجموعه از جمله رضا کیانیان، شهاب حسینی و ترانه علیدوستی، به طور مشخص وارد صحنه شدند و در فضای مجازی از شهرداد در برابر اتهام ورود پول‌های آلوده دفاع کردند. پس از برگزاری دادگاه‌های بانک سرمایه و محکومیت افرادی از قبیل هادی رضوی که همراه محمد امامی، تهیه‌کننده بخش اول سریال شهرزاد بود، دیگر جای شک و شبهه‌ای در آلوده بودن پول‌هایی که به این سریال وارد شده‌اند باقی نمی‌ماند. پنجم خرداد ماه سال ۱۳۹۸ بود که روزنامه فرهیختگان گزارشی درباره لزوم بازگرداندن دستمزد بازیگرانی که در پروژه‌های مشکوک شرکت کرده‌اند، منتشر کرد. در این گزارش نظر دو وکیل و حقوقدان درج شده بود. پس از آن بعضی از بازیگران شهرزاد واکنش‌هایی نشان دادند که به وضوح و بدون ترس از افتادن در دام قضاوت‌های شتابزده، می‌شد آنها را گستاخانه خواند. آنها گفتند هر پولی قرمتند حق‌شان بوده و مگر کسی می‌دانسته است پول پروژه‌ها مشکوک می‌تواند سرمایه را برگرداند، نمی‌تواند دستمزد میلیاردی طلب کند. در همه جای دنیا هم همین است.

خب پول مشکوک یعنی همین. الان کدام بازیگر ما می‌فروشد که همچنان دارند دستمزد میلیاردی می‌گیرند. شما ببینید فیلمی ساخته شد که حجم زیادی از سوپراستارها را در خود جای داد و حتی یک‌سوم هزینه فیلم را هم برنگرداند. من می‌دانم سرمایه‌گذار آن فیلم چه کسی بوده، اما این را می‌دانم که فلمها اگر چنین فیلم‌هایی ساخته می‌شود و این حجم بازیگر در آن می‌آیند، اول از همه تصمیم سرمایه‌گذار و تهیه‌کننده است. فکر می‌کنند با آوردن این حجم از بازیگر فلمها فیلم‌شان می‌فروشد، ولی این طور نیست.

این درست است که گفته می‌شود رقمی که بازیگران می‌گیرند با رقمی که در قراردادهایشان می‌آید، یکی نیست؟ برخی بازیگران رقمی بالاتر از آنچه می‌گیرند، در قراردادهایشان می‌آورند تا در کار بعدی برمبنای همان رقم، دستمزد بگیرند.

به معنوان یک حرفه‌ای که سال‌هاست در سینما کار می‌کنم تا حالا نشنیده‌ایک بازیگر دو قرارداد ببندم. اصلا این طور نبوده.

چون آنها مالیات نمی‌دهند، بنابراین شنیده شده که برخی از آنها، چنین ترفندهایی را هم به کار می‌گیرند.

بازیگران و همه عوامل سینما موظف هستند قراردادهایشان را به اداره مالیات ارائه دهند و این گونه معاف می‌شوند، در حالی که اگر ارائه ندهند، مشمول مالیات می‌شوند. من موضوع قرارداد و چنین چیزی را تا حالا نشنیده‌ام، چون کسی که چنین کاری می‌کند، آدمی کاملا غیرحرفه‌ای است.

یک بازیگر می‌گوید من از تو ۶۰۰ میلیون می‌گیرم، اما تو در قرارداد بنویس ۸۰۰ میلیون. مدیرتولید کار بعدی این بازیگر، به رقم قرارداد قبلی او نگاه می‌کند. مگر خود بوده‌اند؟ بله همه می‌دانستند و بازیگران مجموعه هم بهتر از بقیه مطلع بودند. آیا این هنرپیشه‌های شهرزاد نبودند که پاسخ کمپین‌های فضای مجازی در اعتراض به منابع مالی پروژه‌شان را می‌دادند؟ گفت‌وگو با مدیر تولید پروژه‌هایی از قبیل شهرزاد، گلشیفته و هیولا در شبکه نمایش خانگی و فیلم‌هایی مثل گیشن، جدایی نادر از سیمین، فروشنده، قسم، لامب ۱۰۰ و... در سینما، شاید خیلی بهتر نشان بدهد که اصل ماجرا چیست. مسلم است کسی که از این پول‌ها بهره و منفعتی نصیبش شده باشد، به هیچ‌وجه با منطق و استدلال و به اصطلاح معروف با دودوتا چهارتا زیر بار نخواهد رفت که مشکلی در کار است و منابع مالی پروژه، قانونی و مشروع نیستند. مصطفوی در گفت‌وگویی که در ادامه می‌خوانید چنان دفاعی از محمد امامی کرده که انگار به انگار او حتی قبل از آمدنش به دادگاه و قرائت کیفرخواست مربوطه، با رها کردن امامی از دایره شمول چنین احکامی خارج کرد؟ پول آلوده در سینما یعنی خود محمد امامی و این شخصیت خودش یک نمونه مثال زدنی برای چنین مواردی است و وقتی دیده می‌شود که شخصی همچنان به‌طور علنی و نماه‌فد از او دفاع می‌کند، باید نتیجه گرفت که همه جا این منطق و استدلال نیست که من‌مایه اظهارات افراد را تشکیل می‌دهد، بلکه تامین یا تهدید منافع افراد ممکن است باعث شود آنها تا مرز انکار بدیهی‌ترین گزاره‌های منطقی هم پیش بروند. از اینجا به بعد است که افکار عمومی دیگر توان انجام کاری را ندارند. امروز هرکس که می‌خواست بفهمد، این را فهمیده است که بخش قابل توجهی از سینمای ایران به پول‌های آلوده و غیرقانونی آلوده شده است و محمد امامی، به طور اخص، شاخص‌ترین نمونه رفتارهای کلان غیرقانونی در این خصوص است. دیگر بیشتر از این نمی‌شود یا تا کید بر اهرم فشار توسط افکار عمومی کار را پیش برد و حالا ماجرا به هسته سخت خود رسیده که افرادی از قبیل مصطفوی با درجات مختلفی از ریز و درشتی هستند؛ کسانی که اگر لازم باشد زیر بار رنگ سفید ماست هم نمی‌روند و گرنه باید اموال و جایگاه‌های به ناحق یافته را پس بدهند. از اینجا به بعد نوبت قانون است.

شما بر مبنای همین رقمه، وارد گفت‌وگوی اولیه با یک بازیگر نمی‌شوید؟

معمولا قرارداد قبلی و چیزی که وجود دارد و چیزی که بسیاری از بازیگران با رعایت نمی‌کنند، عدم‌تفکیک میان فیلم هنری و فیلم تجاری است. شما وقتی فیلم هنری کار می‌کنی، قطعا باید دستمزدت با فیلم تجاری فرق کند، اما متاسفانه برخی بازیگران ما رعایت نمی‌کنند و قیمتی را که در فیلم تجاری می‌گیرند، در فیلم هنری طلب می‌کنند.

قرارداد قبلی را خود بازیگر به شما می‌دهد که برمبنای آن وارد گفت‌وگو شوید؟

معمولا خود بازیگر اعلام می‌کند. جاهایی هم هست که ما از آنجا استعلام می‌کنیم.

یک سوال هم در مورد فیلم قسم که این روزها به روی پرده است، دارم: در پیش تولید عنوان شد که اوج، سرمایه‌گذار این کار است و باهمین عنوان، فیلمبرداری شروع شد. حتی خیرنگاران وقتی در اثنای فیلمبرداری با پروژه تماس می‌گرفتند، گفته می‌شد که ما هنوز نمی‌توانیم بگوییم اوج سرمایه‌گذار است یا نه. درنهایت هم اوج کنار گذاشته شد. درباره این موضوع که خیلی هم رسانه‌ای شد، توضیح می‌دهید؟

سرمایه‌گذار این کار، در ابتدا اوج بود که بعدا کار را واگذار کرد به آقای محسن تنابنده یا تهیه‌کنندگی جناب جلیل شعبانی. کار را شروع کردیم و پیش رفتیم. از جایی قرار شد اوج دیگر با ما همکاری نداشته باشد، به دلیل آن چیزهایی که می‌خواستند و کارگردان زیر بار نرفت و اوج خیلی دوستانه رفت کنار و سرمایه، کاملا شخصی شد. مضاف بر اینکه در کنار کار بود و کار را رها نکرد و حتی وقتی کاملا دوستانه برقرار بود وقفط یک اختلاف سلیقه در فیلمنامه و نوع گرفتن میان آقای تنابنده و موسسه اوج مطرح بود که کاملا هم منطقی بود که خودشان با احترام کنار رفتند.

در مورد گلشیفته، نخستین موردی که خیلی عجیب می‌زد، حضور مهناز افشار در قالب آن نقش با آن گریم بود، در حالی که می‌دانیم ایشان خیلی سخت چنین نقش‌هایی را می‌پسندند. مهناز افشار انتخاب اول آقای شعیبی بود؟ چون شنیده شد که ایشان برای پذیرش چنین نقشی، دستمزد بالایی طلب کرده بودند.

بگذارید با جزئیات در این مورد صحبت کنم. خانم افشار نمی‌خواستند در این سریال حضور داشته باشند به خاطر اینکه هم‌زمان درگیر فیلم جیرانی و تئاتر بینوایان پارسایی بودند. یک روز من به همراه سرمایه‌گذار و کارگردان به تالار وحدت رفتیم و ایشان را متقاعد کردیم که بیاید. وی گفت من به لحاظ زمانی نمی‌توانم و شرایطم طوری است که فرقتارم. ما گفتیم تمام این شرایط را به جان من خریم و دوست داریم که شما بیائی و سرمایه‌گذار هم اصرار داشت که ایشان باشد. خانم افشار آمد و حتی یک جایی خارج از قرارداد هم با ما همکاری کرد. این چیزی که می‌گویند دستمزد میلیاردی گرفته، من به شما اعلام می‌کنم که هرگز چنین چیزی نبوده است. ایشان تقریبا چهار ماه کار کردند.

شما در حالی صحبت از همکاری جانانه مهناز افشار می‌کنید که برخی رسانه‌ها، همان زمان، از کارشکنی ایشان گزارش دادند. اینکه فشار وارد کردند که نام گلشیفته باید روی فیلمنامه گذاشته شود، اینکه ایشان در محتوا اثر گذاشتند و...

من خیلی صادقانه عنوان کنم که در رابطه با اسم گلشیفته، شرط قرار این بود. گفت من زمانی می‌آیم که اسم گلشیفته، اسم کاراکتری باشد که من بازی می‌کنم. این مال زمانی بود که ایشان هنوز جلوی دوربین نرفته بودند که ما هم پذیرفتیم. اسمی که ایشان قرار بود در سریال بازی کند، اسم دیگری بود؛ ایشان گفت من به شرطی می‌آیم که اسم کاراکترم گلشیفته شود. یک پیشنهاد بود که ما می‌توانستیم بپذیریم یا نپذیریم پس تحمیلی در کار نبود آن هم قبل از اینکه قرارداد ببندند. ایشان اصلا بی‌نظمی نداشت. روز اولی که آمد، مدام می‌گفت من گرفتارم و هر لحظه می‌گفت، باید بروم سر فیلمبرداری، تئاتر دارم و... همه اینها را گفته بودند. ایشان خیلی حرفه‌ای آمدند و خیلی حرفه‌ای هم رفتند. در پایان فیلمنامه هم دخالتی نداشتند.

وقتی بنرهای شهری گلشیفته در اتوبان هاتصب شد، در کمال تعجب، هیچ عکسی از مهناز افشار در آن به چشم نمی‌خورد. همان زمان ایشان گفتند این اتفاق حاصل اتفاق‌های غیرسینمایی است که همین قضیه، شائبه‌ها را در مورد درگیری ایشان با گروه تقویت کرد.

هیچ درگیری داخل گروه اتفاق نیفتاد. یک زمانی ارشاد اعلام کرد که تصویر ایشان نباشد، بعد رفتیم صحبت کردیم و حل شد و تصویر ایشان آمد.

هزینه تولید این کار که گفته می‌شد بالا بود را قبول دارید؟

نه، اصلا بالا نبود.

شما در سه کار شاخص این سال‌های شبکه نمایش خانگی حضور داشتید: شهرزاد، گلشیفته و هیولا. بالاترین هزینه متعلق به کدام یک از این کارها بود؟

قطعا شهرزاد.

چرا؟

چون شهرزاد کاری تاریخی بود و به لحاظ شوتینگ، کار طولانی‌مدت بود.

پس اگر غیرمتعارف نبود چرا زمانی که گفته شد آقایان و خانم‌های بازیگر، آقای فتحی چرا در برابر این اختلاسی که شده موضعی نمی‌گیرید، آنها باز بی‌تفاوت بودند؟

آخر چه موضعی؟ مگر ما قوه قضائیه هستیم که موضع بگیریم؟ ما چه کاره هستیم که موضع بگیریم؟ به ما چه ربطی دارد که

ادامه در صفحه ۱۳

آقای مصطفوی، خیلی از مردم ما سال‌هاست عنوان مدیر تولید را در تیتراژ فیلم‌ها و سریال‌ها مشاهده می‌کنند، ولی شاید ندانند یک مدیر تولید چه وظایفی به عهده دارد. برای ما می‌گویید وظایف حرفه‌ای یک مدیرتولید چیست؟

مدیرتولید، امین تهیه‌کننده است؛ یعنی بعد از تهیه‌کننده، نفر دوم یک فیلم محسوب می‌شود. کسی است که تهیه‌کننده استخدامش می‌کند برای انعقاد قراردادها و مدیریت پولی که او یا سرمایه‌گذار در اختیارش گذاشته و البته مدیریت کل پروژه. من همیشه می‌گویم که مدیرتولید، قلب یک فیلم است و برنامه‌ریز؛ مغز آن فیلم. یک جورهایی بدمن فیلم هم هست، چون مدیرتولید کسی است که باید در صورت لزوم گیر بدهد که کارت را درست انجام بده، چرا دیر آمدی، چرا خوب انجام ندادی و...

انتخاب عوامل فیلم هم با شماست یا فقط چانه‌زنی‌ها و انعقاد قرارداد جزء مسئولیت‌هایتان است؟

قطعا، من خودم در پروژه‌هایی که هستم، معمولا ورود می‌کنم و برایم خیلی مهم است که با چه کسی کار می‌کنیم؛ چه در مورد بازیگر و چه عوامل پشت دوربین، چون معتقدم فیلم خوب، زمانی ساخته می‌شود که عوامل خوبی در راس آن فیلم باشند. در بعضی کارها جوری است که کارگردان مستقیم ورود می‌کند، اما ما قطعا تعامل داریم با تهیه‌کننده و کارگردان.

باور رایج بر این است که تهیه‌کننده یک پول محدودی در اختیار مدیرتولید قرار می‌دهد و می‌گوید این را تا پایان پروژه برسان. چنین چیزی واقعیت دارد؟

بله، عمدتا به همین شکل است. ما یک برآوردی به تهیه‌کننده یا سرمایه‌گذار اعلام می‌کنیم و مجبوریم براساس آن برآورد زمانی و مالی که داریم، کار را تا انتها پیش برده و تحویل دهیم.

اینکه شنیده می‌شود در برخی مواقع، بعضی تهیه‌کنندگان درصدی از پول را همان ابتدا در جیب خودشان می‌گذارند و مابقی پول را به مدیرتولید می‌دهند تا پروژه را پیش ببرد. درست است؟

من چنین موضوعی را ندیده‌ام. ما تهیه‌کننده خوب، کم نداریم. تهیه‌کننده خوب، باسواد و مولف بسیار زیادی داریم. من در کارهایی که کردم به چنین موضوعی برنخوردم.

شما تجربه فعالیت در تلویزیون، سینما و شبکه نمایش خانگی را دارید. بحثی که طی سال‌های اخیر حسابی گل کرده، بحث پول‌های مشکوک یا سرمایه کثیف است که بالاخص در سینما و شبکه نمایش خانگی، حسابی سر و صدا کرده. صادقانه بگویید آیا به وجود چنین پول‌ها و سرمایه‌هایی اعتقاد دارید؟

اول باید تعریف کنیم که پول کثیف یعنی چه؟ من سریال شهرزاد را در خدمت آقای محمد امامی و فیلم گیشن و لامب ۱۰۰ را هم در خدمت آقایان امامی، دلاورو امیرداده بودم و می‌گویند که در این آثار پول کثیف وارد شده. من می‌گویم اول باید پول کثیف را تعریف کنیم. من یک مصاحبه از آقای داریوش ارجمند خواندم که طی آن گفته بودند: عوامل شهرزاد باید بیایند و پول‌هایی را که به عنوان دستمزد گرفته بودند برگردانند. یا این جریانی که به وجود آمد که عوامل شهرزاد باید بیایند و پول‌ها را پس بدهند و آقای ارجمند هم گفته‌اند که: نمی‌دانید چه بریزوپاشی بوده.

من سر آن کار بودم، چه بریزوپاشی بود؟ من حاضرم به عنوان کسی که قرارداد‌ها را با بازیگران، عوامل و حتی کارگران منعقد کردم اعلام کنم چه کسی در آن پروژه رفم غیرمتعارف گرفته یا چه بریزوپاشی انجام شده. ما متاسفانه به برخی کارها عادت کرده‌ایم؛ مثلا اگر ما داریم با هم حرف می‌زنیم، پنج نفر هم نشسته‌اند، نفر اول می‌گوید مصطفوی خیلی آدم خوبی است، نفر دوم هم می‌گوید خیلی آدم خوب و نازنینی است و این دایره تعریف تا نفر پنجم می‌رود، بعد یک نفر می‌گوید من شنیده‌ام این آدم خرد‌شیشه هم دارد، نفر دوم هم می‌گوید بله خرد‌شیشه دارد و پول من را خورده و همین بسکل تا نفر پنجم می‌رود و بزرگ‌تر می‌شود. این قضاوت‌ها از کجا می‌آید؟ آقای ارجمند شما به عنوان بزرگ‌تر و پیشکسوت، مگر سر سریال شهرزاد حضور داشتید که می‌گویید بریزوپاشی بوده. من به عنوان مدیرتولید اگر می‌گویم چنین اتفاقی نیفتاده به این دلیل است که من آنجا کار کردم. اگر هادی رضوی به عنوان سرمایه‌گذار، اختلاس کرده باشد و پول مشکوک آورده یا هر چیز دیگری، هر کاری دوست دارند با او بکنند، ولی این چه پروپاگاندایی است که ایجاد شده؟ گفته‌اند عوامل که کار کرده‌اند باید پول‌هایشان را برگردانند. من برای چه باید برگردانم؟ الان شما دارید در روزنامه کار می‌کنید، سابقه ۱۰ ساله هم دارید، من هم مثلا مدیرمسئول روزنامه هستم. حالا می‌آیند و می‌فهمند که من کلاهبردار یا اختلاس‌گرم، حالا شما باید حقوق این همه سال را برگردانی؟ شما تلاش کردی و دستمزدت را هم گرفتی. بنابراین من می‌گویم اول باید ببینیم پول مشکوک چیست. ثانیا خیلی از همکاران وحتی بازیگرانی که متاسفانه علیه محمد امامی حرف زدند، من خبر دارم که می‌آمدند دنبال امامی که کارشان را انجام دهد. کارگردانان و تهیه‌کنندگان می‌آمدند و می‌گفتند که سرمایه‌گذارشان محمد امامی باشد، ولی وقتی ایشان را گرفتند، همین‌ها کشیدند کنار و حتی برخی از آنها علیه او مصاحبه کردند. این نهایت بی‌معرفتی است. من می‌گویم محمد امامی یک خطایی مرتکب شده، قانون وجود دارد، قوه قضائیه وجود دارد که رسیدگی می‌کند، ولی منی که تا دیروز جلوی این آدم دولار است می‌شدم، چرا الان که او را گرفته‌اند، دارم او را می‌کوبم. وافعا دلم به درد می‌آید، چون دیدم کسانی که از کنار محمد امامی وضع‌شان خوب شده و به لحاظ مالی و موقعیتی رشد کرده، ولی وقتی ایشان را گرفتند، بی‌محبتی کردند.

ورود پول‌های مشکوک به شبکه نمایش خانگی را هم قبول ندارم. من شهرزاد را کار کردم، سریال‌های گلشیفته، ممنوعه، هشتگ خاله سوسکه و هیولا را کار کردم و در تمام این کارها، پول مشکوکی ندیدم. فکر می‌کنم بخشی از این قضایا از بی‌مهری همکارانی که تهیه‌کننده‌ها، بازیگرها، کارگردان‌ها و منتقدها هستند، صورت گرفته؛ کسانی که تاب و توان دیدن پیشرفت سریال را نداشتند، وگرنه من لااقل به‌عنوان کسی که پنج تا سریال نمایش خانگی پرمخاطب کار کرده‌ام، پول مشکوک ندیده‌ام. خدا شاهد است که ندیده‌ام.

شاید چون رقم واقعی هزینه کرد این سریال‌ها به‌راحتی اعلام نشد، این حساسیت‌ها در مورد آنها شکل گرفت.

اتفاقا با همان اعلام شد. شهرزاد ۱ را نبودم، ولی فکر می‌کنم حدود ۱۱ میلیارد هزینه‌اش شد. فصل دوم هم حدود ۱۴ تا ۱۵ میلیارد. اصلا چه لزومی دارد که هزینه‌ها اعلام شود؟ مگر این همه ارگان و شرکت که در مملکت ما وجود دارند، هزینه‌های خود را اعلام می‌کنند؟ هزینه‌های تولید یک فیلم یا سریال، جزء اسرار آن کار است که نباید علنی شوند. در غیر این صورت، شرکت‌ها، ادارات و نهادها هم باید هزینه‌ها و بودجه خود را اعلام کنند. نمی‌دانم چرا در مورد سینما و تلویزیون، این میزان حساسیت در مورد هزینه و بودجه وجود دارد.

چون بحث دستمزد بازیگران این سریال دهان به دهان چرخید که حاکی از رقم‌هایی نجومی بود.

من مدیرتولید آن سریال بودم. نه آقای شهاب حسینی، نه خانم ترانه علیدوستی و نه هیچ‌یک از بازیگران آن سریال، رقم نامتعارفی نگرفتند. با توجه به سابقه آقای حسینی و خانم علیدوستی، رقم نامتعارفی پرداخت نشد.

ببینید، در همسان فصل اول شهرزاد، زمزمه پول‌های مشکوک در این سریال شنیده و رسانه‌ای شد. خب تهیه‌کنندگان آن فصل، دو نفر بودند: هادی رضوی که داماد وزیر بود و می‌شد حدس زد به چه جاهایی وصل است، اما در مورد محمد امامی شناختی اینچنینی وجود نداشت. بالاخره باید دید امامی به کجا وصل بود که توانست چنین سرمایه‌ای را در فیلم وارد کند.

من چیزی در این رابطه نمی‌دانم. در رابطه با آقای رضوی باید بگویم که ایشان، یک درصدی سرمایه‌گذار بودند. در فصل دوم، صد درصد مالکیت متعلق به آقای امامی بود. ولی من مورد خارج از عرفی ندیدم که بگویم اینجا آقای امامی برپز و بپاش کرد یا اینجا پول نامتعارفی به کسی داد یا قراردادی صوری بست. خدا شاهد است تمام عوامل فیلم، رقم‌های نرمالی گرفتند و هیچ کس رقم نامتعارفی در آن سریال نگرفت.

آقای امامی در دادگاه متهم شد به هزار میلیارد که گویا بخشی از آن وارد شهرزاد شده که با این هزینه‌هایی که شما اعلام می‌کنید، ۱۵ میلیارد که در هزار میلیارد رقمی محسوب نمی‌شود.

من یک‌سوال دارم. فرض کنیم آقای امامی هزار میلیارد اختلاس کرده، واقعا ایشان باید هزار میلیارد برای شهرزاد هزینه کند؟ پس دوستان چرا باید چنین حرف‌هایی در مورد شهرزاد به زبان بیاورند؟ من در جایی شنیده‌ام که حتی گفته‌اند برای شهرزاد، ۴۰ میلیارد خرج شده. پول دست من بود، کجا خرج شده؟

از آن ۱۴ تا ۱۵ میلیارد هزینه فصل دوم شهرزاد، چقدرش دستمزد بازیگران بوده؟

تقریبا یک‌سوم آن. انتظام عوامل سریال شهرزاد با توجه به سختی کار، رقم متعارفی گرفتند.

بعد از شهرزاد ۱، شهاب حسینی و ترانه علیدوستی رفتند سر کار فروشنده فرهادی که شما در آن فیلم هم بودید. همان جا بحث افزایش دستمزد بازیگران کلید خورد که خیلی‌ها گفتند به‌دلیل شهرزاد است، چون به این دو بازیگر رقم‌های بالایی داده و حالا این دو به سینما آمده و برمبنای دستمزد شهرزاد، پول طلب می‌کنند. قطعا این مورد را که شنیده‌اید؟

بله، این را شنیدم، ولی ارتباطی ندارد که ما بگوییم افزایش دستمزد بازیگران از شهرزاد شروع شد. تعداد بازیگران کم است و ما چهره جدید کم داریم. وقتی این جمع کار شروع شده، پس همه سر کار هستند و طرف به‌عنوان بازیگر مجبور است به پروژه‌ای که می‌خواهد ببیند و دوست ندارد در آن پروژه حاضر شود، رقم بالایی را اعلام کند و می‌آید یک رقمی اعلام می‌کند تا آن پروژه قبول کند، بنابراین بازیگران ما کم هستند و ربطی به این ندارد که شهرزاد را مقصر می‌کنند.

این فرمولی که شما می‌گویید، همیشه بوده، ولی همیشه ما افزایش دستمزد نداشتیم.

همیشه ما اینقدر تولیدات نداشتیم. شما ببینید در همین دو سال گذشته، حجم تولیدات شبکه نمایش خانگی چقدر بوده؟ زمانی که ما شهرزاد را شروع کردیم، چه سریالی وجود داشت؟ همین الان چهار، پنج سریال در حال فیلمبرداری هستند. وقتی سریالی حدود یک سال فیلمبرداری دارد و همزمان این میزان کار مشغول ضبط است، خب همه بازیگران را با خودش می‌برد؛ یعنی سینما و شبکه نمایش خانگی فقر بازیگر پیدا می‌کنند و خودبه‌خود دستمزدها بالا می‌رود.

یعنی بیذیریم تنها دلیل افزایش دستمزد بازیگران همین مورد است؟

البته که تورم هم زیاد شده. صادقانه بگویم من معتقدم دلیل گران شدن دستمزد بازیگران، کمبود بازیگر است و اینکه من تهیه‌کننده، من مدیرتولید و من کارگردان، سراغ چهره جدید نمی‌روم؛ یعنی سرمایه‌گذار دنبال این است که حتما چهارتا اسم داشته باشد، درحالی که من معتقدم اگر شما متن خوبی داشته باشی و کارگردانی ات خوب باشد، قطعا بازیگر در وهله بعدی است، ولی وقتی اینها خوب نیستند و سرمایه‌گذار به دنبال این است که در وهله اول بازیگر بیاورد، خب همین اتفاق هم می‌افتد.

حتی پوران درخشنده در جایی اعلام کردند بازیگری که تا پارسال ۲۰۰ میلیون می‌گرفت، الان با یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان هم راضی نمی‌شود کار کند؛ یعنی افزایش دستمزد بازیگران تا این میزان و با این ضریب است؟ همه آنها این طور نیستند. بازیگری که ۶۰۰، ۷۰۰ می‌گرفته، الان یک‌میلیارد می‌گیرد. بازیگری که یک میلیارد می‌گرفته، الان یک میلیارد و ۳۰۰ می‌گیرد. من صنعتی حرف می‌زنم و دوستان بازیگر هم برای من قابل احترام هستند، اما من معتقدم تعداد بازیگرانی که می‌توانند دستمزد میلیاردی طلب کنند، چهار یا پنج نفر بیشتر نیستند؛ به دلیل اینکه فیلم‌هایشان می‌فروشد. بازیگرانی که فیلم‌شان نمی‌فروشد و نمی‌توانند سرمایه را برگردانند، نمی‌توانند دستمزد میلیاردی داشت؟ همین الان چهار، پنج سریال در حال فیلمبرداری هستند. وقتی سریالی حدود یک سال فیلمبرداری دارد و همزمان این میزان کار مشغول ضبط است، خب همه بازیگران را با خودش می‌برد؛ یعنی سینما و شبکه نمایش خانگی فقر بازیگر پیدا می‌کنند و خودبه‌خود دستمزدها بالا می‌رود.

یعنی بیذیریم تنها دلیل افزایش دستمزد بازیگران همین مورد است؟

البته که تورم هم زیاد شده. صادقانه بگویم من معتقدم دلیل گران شدن دستمزد بازیگران، کمبود بازیگر است و اینکه من تهیه‌کننده، من مدیرتولید و من کارگردان، سراغ چهره جدید نمی‌روم؛ یعنی سرمایه‌گذار دنبال این است که حتما چهارتا اسم داشته باشد، درحالی که من معتقدم اگر شما متن خوبی داشته باشی و کارگردانی ات خوب باشد، قطعا بازیگر در وهله بعدی است، ولی وقتی اینها خوب نیستند و سرمایه‌گذار به دنبال این است که در وهله اول بازیگر بیاورد، خب همین اتفاق هم می‌افتد.

حتی پوران درخشنده در جایی اعلام کردند بازیگری که تا پارسال ۲۰۰ میلیون می‌گرفت، الان با یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان هم راضی نمی‌شود کار کند؛ یعنی افزایش دستمزد بازیگران تا این میزان و با این ضریب است؟

همه آنها این طور نیستند. بازیگری که ۶۰۰، ۷۰۰ می‌گرفته، الان یک‌میلیارد می‌گیرد. بازیگری که یک میلیارد می‌گرفته، الان یک میلیارد و ۳۰۰ می‌گیرد. من صنعتی حرف می‌زنم و دوستان بازیگر هم برای من قابل احترام هستند، اما من معتقدم تعداد بازیگرانی که می‌توانند دستمزد میلیاردی طلب کنند، چهار یا پنج نفر بیشتر نیستند؛ به دلیل اینکه فیلم‌هایشان می‌فروشد. بازیگرانی که فیلم‌شان نمی‌فروشد و نمی‌توانند سرمایه را برگردانند، نمی‌توانند دستمزد میلیاردی طلب کنند. در همه جای دنیا هم همین است.

خب پول مشکوک یعنی همین. الان کدام بازیگر ما می‌فروشد که همچنان دارند دستمزد میلیاردی می‌گیرند. شما ببینید فیلمی ساخته شد که حجم زیادی از سوپراستارها را در خود جای داد و حتی یک‌سوم هزینه فیلم را هم برنگرداند. من می‌دانم سرمایه‌گذار آن فیلم چه کسی بوده، اما این را می‌دانم که فلمها اگر چنین فیلم‌هایی ساخته می‌شود و این حجم بازیگر در آن می‌آیند، اول از همه تصمیم سرمایه‌گذار و تهیه‌کننده است. فکر می‌کنند با آوردن این حجم از بازیگر فلمها فیلم‌شان می‌فروشد، ولی این طور نیست.

این درست است که گفته می‌شود رقمی که بازیگران می‌گیرند با رقمی که در قراردادهایشان می‌آید، یکی نیست؟ برخی بازیگران رقمی بالاتر از آنچه می‌گیرند، در قراردادهایشان می‌آورند تا در کار بعدی برمبنای همان رقم، دستمزد بگیرند.

به معنوان یک حرفه‌ای که سال‌هاست در سینما کار می‌کنم تا حالا نشنیده‌ایک بازیگر دو قرارداد ببندم. اصلا این طور نبوده.

چون آنها مالیات نمی‌دهند، بنابراین شنیده شده که برخی از آنها، چنین ترفندهایی را هم به کار می‌گیرند.

بازیگران و همه عوامل سینما موظف هستند قراردادهایشان را به اداره مالیات ارائه دهند و این گونه معاف می‌شوند، در حالی که اگر ارائه ندهند، مشمول مالیات می‌شوند. من موضوع قرارداد و چنین چیزی را تا حالا نشنیده‌ام، چون کسی که چنین کاری می‌کند، آدمی کاملا غیرحرفه‌ای است.

یک بازیگر می‌گوید من از تو ۶۰۰ میلیون می‌گیرم، اما تو در قرارداد بنویس ۸۰۰ میلیون. مدیرتولید کار بعدی این بازیگر، به رقم قرارداد قبلی او نگاه می‌کند. مگر خود بوده‌اند؟ بله همه می‌دانستند و بازیگران مجموعه هم بهتر از بقیه مطلع بودند. آیا این هنرپیشه‌های شهرزاد نبودند که پاسخ کمپین‌های فضای مجازی در اعتراض به منابع مالی پروژه‌شان را می‌دادند؟ گفت‌وگو با مدیر تولید پروژه‌هایی از قبیل شهرزاد، گلشیفته و هیولا در شبکه نمایش خانگی و فیلم‌هایی مثل گیشن، جدایی نادر از سیمین، فروشنده، قسم، لامب ۱۰۰ و... در سینما، شاید خیلی بهتر نشان بدهد که اصل ماجرا چیست. مسلم است کسی که از این پول‌ها بهره و منفعتی نصیبش شده باشد، به هیچ‌وجه با منطق و استدلال و به اصطلاح معروف با دودوتا چهارتا زیر بار نخواهد رفت که مشکلی در کار است و منابع مالی پروژه، قانونی و مشروع نیستند. مصطفوی در گفت‌وگویی که در ادامه می‌خوانید چنان دفاعی از محمد امامی کرده که انگار به انگار او حتی قبل از آمدنش به دادگاه و قرائت کیفرخواست مربوطه، با رها کردن امامی از دایره شمول چنین احکام